

■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۴۸۲ ■ چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱۱/۴۸ | آذان مغرب ۱۷/۲۵ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۵ | آذان صبح فردا ۵/۰۵ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۰

امام علی(ع):

توفیق [انجام کار نیک] از خوشبختی و بی توفیقی از بدبختی است.

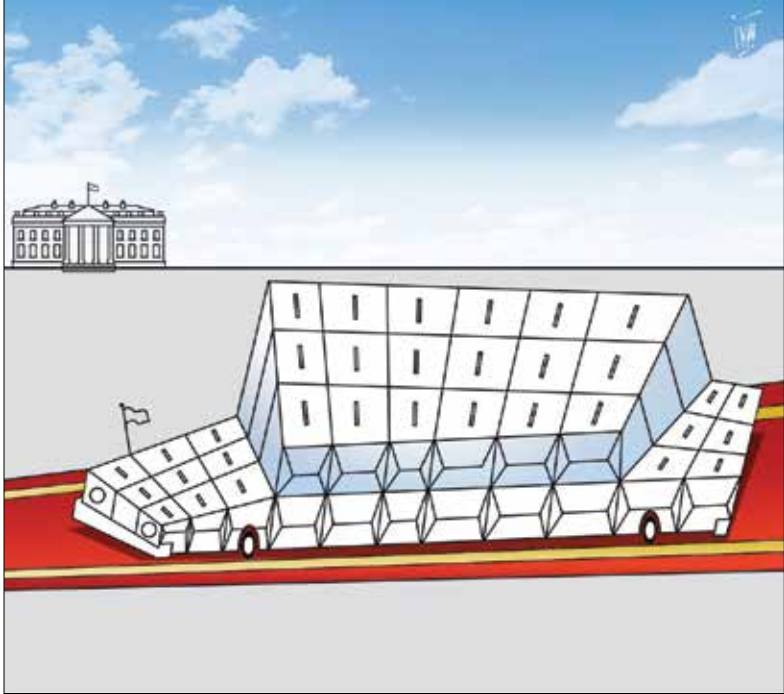
سخن روز

بحار الانوار(ط-بیروت) ج ۷۵، ص ۱۲، ج ۷۰

نگاره

امیرعباس تبریزی

انتخابات امریکا



انتخابات امریکا

انتخابات امریکا دیروز برگزار شد و همین هم باعث شد بحثی داغ در شبکه‌های اجتماعی درباره‌اش شکل بگیرد. در کنار بحث‌های جدی درباره احتمال رأی آوردن هرکدام از نامزدها و تأثیر آن، کاربرانی هم با این انتخابات شوخی می‌کردند: «توی امریکا هم شمارش رای از شهرهای کوچک آغاز می‌شه. منتظر پخش برنامه پانکراس هستم.»، «توی این دوره انتخابات امریکا بعضی‌ها همچین استرس دارن و استرس رو به بقیه انتقال میدن، آدم احساس می‌کنه تو ایران انتخاباته. هیچ سال اینطور لحظه به لحظه پیگیر انتخابات امریکا نبودن»، «اینقدری که ما ایرانی‌ها راجع به انتخابات امریکا اطلاعات داریم خودشون ندارن.»، «سالار عقلایی آمریکایی‌ها داره از این مراسم به اون مراسم میره الان»، «باور کنین نظر شما و نظرسنجی‌های پدربکی از دانشجویان در نتیجه انتخابات امریکا ندراره»، «یکی از

شهروند مجازی

یگانه خدایی

«اینجا خاورمیانه است و این لکنته که از میان خون ما می‌گذرد تاریخ است»، «برای من روضه‌ها گاهی یک جمله است برای ساعت‌ها اشک، مثل پیام دوستت دارم لحظه آخر قربانی حادثه اورلاندو به مادرش، مثل جان پدر کجاستی»، «هشتک دانشگاه کابل رو خوندم و تمام خوشی جهان از قلبم رفت، چه صلحی می‌شه با طالبان کرد؟»، «از کجا معلوم بعد امضای معاهده صلح کلی امتیاز به طالبان، دوباره انتتار و انفجار و ناامنی با قبول کردن مسئولیتش توسط داعش نباشه؟ و امریکا و طالبان به بهانه مبارزه با داعش باقی نمانند و نقش دولت و مردم کم‌رنگ‌تر از قبل نشه؟»، «نمانیده امریکا در افغانستان از گروه تروریستی طالبان خواست تا در برابر گروه تروریستی داعش با دولت افغانستان همکاری کند. بهتره این واقعیت رو ببذیریم که دنیای غرب هرگز دلش واسه مردم خاورمیانه سوخته و «هرگز» نیز نخواهد سوخت…»، «توجهم به نکته‌ای جلب شد از پارادوکس‌های غمگین روزگار، البته طالبان، داعش و هر تفکرمتحجر دیگه باید هم دانشگاه، علم و علم آموزی رو هدف قرار بده چرا که بخوبی متوجه شده آنچه حیات این گروه‌ها رو تهدید میکنه بمباران مقرر گروه‌ها نیست، بلکه خرد و هر جایی که در اون کتاب هست».

طالبان به جبران شکست در استان هلمند این حمله تروریستی رو انجام داده»، «قلم‌ها می‌شکند تا حقایق نوشته نشوند»، «با پشت‌سر گذاشتن کلی دردرس، در دانشگاه پذیرفته می‌شوی و سر کلاس، محو درسی، که گلوله‌ای از تاکجای جهل فلان احمق متحجر، سینه ات را می‌شکافد و پایان تمام آرزوهایت. زخمی‌ترین ساقه این جنگل خشک، ما از به درختیم، دردتون جانمان رو آتش زد.»، «پدر که بشوید، مفهوم ۱۴۲ بار تماس و پیامک «جان پدر کجاستی؟» را بهتر می‌فهمید»،



مجتبی راعی: با هر پلان شگفت‌زده کریم اکبری مبارکه را نگاه می‌کردم

«جشن سربرون» در شرایطی سخت شروع شد. فرصت روحانی و تحلیل متن نداشتیم. به همین لحاظ اولین روز کاری کریم اکبری مبارکه با بنده، مصادف شد با اجرای مشکل‌ترین سکانس شخصیتی به‌نام آسمحمد! من نگران بودم. به‌دستیارم گفتم ای کاش شرایط ما به نحوی بود که با ایشان با صحنه‌های ساده‌تر شروع می‌کردیم و بعد از جا افتادن به این سکانس کلیدی می‌رسیدیم! امیدی ندارم این سکانس آتچنان که باید دربیاید. وقتی شروع به اجرا کردیم با هر پلان شگفت‌زده به او نگاه می‌کردم. شفته نگاهش می‌کردم و با خودم می‌گفتم چرا نباید در این مملکت فیلمنامه‌هایی با شخصیت‌های پیچیده نوشته شود که چنین بازیگرانی با این مرز از توانایی فرصت بیکاری نداشته باشد.

کارگردان «جشن سربرون» در سوگ از دست دادن کریم اکبری مبارکه یادداشتی منتشر کرد.

از برنامه‌ریزی برای روزهای بعد از کرونا غافل نشویم

طی ماه‌های اخیر تحت تأثیر محدودیت‌های ناشی از شیوع پاندمی کرونا بخشی از فعالیت‌های فرهنگی و هنری، تا آنجا که ممکن بوده به فضای مجازی منتقل شده است. اتفاقی که ما هم در بنیاد ملی یونسکو از همان هفته‌های ابتدایی انتشار ورود این بیماری به کشورمان به نوعی در آن پیش‌تاز بوده ایم؛ مصداق آن را هم می‌توان در برنامه‌های آنلاینی دید که پیش از نوروز ۹۹ با حضور استادان و چهره‌های شاخص عرصه ادبیات همچون اصغر دادبه و جلال‌الدین کرزازی شروع شد و همچنان هم ادامه دارد. حتی دست به برپایی گالری مجازی زدیم؛ یکی از آخرین نمایشگاه‌های مجازی‌مان هم هفته گذشته برپا شد که «اورامان؛ دامن آسمان» نام داشت. بحث یک یا دو ماه در میان نیست که بگوییم مدتی تعطیل می‌کنیم تا همه چیز عادی شود؛ تعطیلی همیشه راحت‌ترین راه است اما کار درستی نیست در صورتی که بهتر است حداکثر تلاش‌مان را برای بهره‌گیری از فضای مجازی به خرج بدهیم تا با آسیب بیشتری روبه‌رو نشویم. فضای وب و از سویی شبکه‌های اجتماعی به بخش مهمی از زندگی امروزمان تبدیل شده‌اند. بنابراین شاید بهتر باشد که به جای لفظ «مجازی»، عنوان دیگری برای آن به کار ببریم چراکه حالا قسمتی از زندگی واقعی‌مان با بهره‌گیری از این تکنولوژی‌ها و در این فضا است که جریان پیدا کرده. در کنار همه محدودیت‌هایی که کرونا سبب شده نمی‌توان از تأثیری که در تسریع روند حضورمان در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی داشته هم غافل شد. این شرایط نه فقط ما ایرانیان را در بخش‌های مختلف برای جبران بخشی از فعالیت‌های خود به اینترنت و استفاده بیشتر از دنیای تکنولوژی کشاند، بلکه درعرصه جهانی هم با وجود پیشرفت‌هایی که از قبل حاصل شده بود منجر به پیشرفت‌های بیشتری شد. به گمانم روندی که طی این مدت، حداقل در کشور خودمان رخ داده، در شرایط عادی حداقل نیازمند طی زمانی چند ساله بوده که آنقدر سرعت یافت که با گذشت چند ماه شاهد تغییراتی شگرف بودیم. کرونا، خواه ناخواه سکوی پرتابی برای همه ما و در همه حوزه‌ها به سوی دنیای مدرن شد.

روز نویسنده

آن روز داشتم فکر می‌کردم آدمی چند روز در سال برای خودش دارد. چطور است که آدم‌ها در این دنیای اجتماعی مجازی مدام روزتازشی می‌کنند. یادم آمد به آن وقت‌هایی که اصلاً روز نداشتیم. یک روز تولد بود و تمام. آدم در یک روز متولد می‌شد و می‌رفت تا سال بعد که متولد بشود یا هم نشود. نشود برای این است که خیلی سال‌ها اطرافیان‌ت هم روز تولدت را فراموش می‌کردند. اما حالا چند روز مانده به تولدتان از همه طرف به شما یادآوری می‌شود که تولد داریم آن هم چه تولدی و بعد هم سیل تبریک‌هاست که فرا می‌رسد. از آدم‌های دیده و نادیده از صفحات مختلف اجتماعی و از همه‌جا. اما این بازی روز آدم بودن به همین تولد ختم نمی‌شود. مثلاً همین چند روز پیش دیدم هی دارن به من روزم را تبریک می‌گویند. بعد پرسیدم مگر چه روزی است گفتند روز نویسنده است. طبیعتاً باید تشکر می‌کردم که این روز به من تبریک می‌گویند. یادم است آن روز‌ها که روز تاتار خیلی مد شده بود و فضای مجازی هم گسترده شده بود برای پیام روز تاتار کلی خوشحال بودیم که امسال چه کسی پیام می‌دهد اما فکر می‌کنم روز تاتار هم در میان همه روز‌ها گم شده است. اصلاً فکر می‌کنم در لایه‌ای این بیماری همه‌گیر تاتار دارد گم می‌شود. هنرهایی که با جمع سر و کار دارد همه دارند یک جوری آسیب می‌بینند. نمی‌دانم در این وضعیت چه کار می‌شود کرد اما فکر می‌کنم این روزها واقعاً روز‌های ما نیست. روز‌های تلخی که مجبوریم در خانه بمانیم، مجبوریم برای حفظ جان خودمان و دیگران در خانه بمانیم اما فکر می‌کنم راه دیگری هم برای نجات برخی هنرها هست. باید فکر کرد که چه کار باید کرد.

اما برویم به سراغ روز‌ها. قدیم‌ها وقتی از خانه بیرون می‌رفتیم و چشم‌مان به گربه سیاهی می‌افتاد یا خودمان می‌فتمیم خدا به خبر کند سر می‌گذاریم. امروز را. اما باید به عرض برسانم که این روز‌ها گربه سیاه‌ها هم روز دارند. با مو فرقری‌ها هم روز دارند. این است که روز مو فرقری‌ها که می‌شود یک تبریک هم به من می‌رسد. اما در برخی روز‌ها من آدم روزدار سابق شدم. مثلاً زمانی معلم بوده‌ام و حالا نیستم. اما همچنان بچه اول خانواده هستم و روز بچه اول هم به من تبریک می‌گویند.

همه این روز‌ها و روز‌های دیگر را نوشتم که بگویم ما در این روزگار مدام به مدام به دنبال بازتولید دلخوشی‌های کوچک هستیم. درست عین همان آهنگ فرهاد مهراد که می‌گفت دلخوشی‌ها کم نیست. روز‌ها هم کم نیست. سیدوشصت و پنج روز در سال را پشت سر می‌گذاریم. اگر بخوایم مدام به مدام اخبار را پی بگیریم به قول احمدرضا احمدی حرمان‌مان آدم را می‌برد. برای همین است که دلمان را خوش می‌کنیم به روز‌هایمان. روز پزشک یا روز پرستار. مثلاً به این روز‌ها که می‌رسیم یادمان می‌آید که در این روزگار حرمان چقدر ما مدیون تلاش پزشک‌ها و پرستار‌ها هستیم. رفیق پرستاری دارم که مدام در این روز‌های بیماری و اندوه به یادش هستم و فکر می‌کنم چطور می‌شود این روز‌ها تمام شود و روزگار ما هم خوش شود. به قول قدیمی‌ها عروسی هم به کوچم ما بیاید بعد این بیماری همه‌گیر. اما همین حالا تقویم را هم نگاه کردم و دیدم امروز که چهارده آبان است روز فرهنگ عمومی است. نمی‌دانم این چه روزی است اما این روز را هم به همه تبریک می‌گویم.



■ **بازیگران: مریم آشوری، ناصر آویژه، مهرداد باقری، شاهین کلکار، محمد الله دادی، سیاسلیمانی و رها آویژه**

■ **نمایش‌در تیتوال**



مرور خاطرات وحشتناکه‌ولی مرور نکردن خاطرات از اونم وحشتناک تره.

جنگ چهره زنانه ندارد/ سوتلانا آکسنادرونا الکسیویچ

مترجم: عبدالمجید احمدی/ نشر چشمه

به نام تاریخ

سال ۱۳۶۶ از چنین روزی اولین نمایشگاه بین‌المللی کتاب افتتاح شد. در همان محل دائمی نمایشگاه‌های تهران در بلوار شهید چمران. این نمایشگاه تا ۲۲ آبان ادامه داشت و ۱۹۶ انتشارات از ۳۲ کشور جهان در کنار ۲۰۰ ناشر داخلی در آن شرکت کردند و با توجه به اینکه کتاب‌های زیادی درباره فرهنگ و تمدن اسلامی در آن عرضه شده بود این نمایشگاه «فرهنگ و تمدن اسلامی» نام گرفت. جالب است بدانید که این نمایشگاه بسیار مورد استقبال قرار گرفت و در آن سال‌های پر التهاب ۵۰۰ هزار نفر از آن بازدید کردند.

■ **تولدها**

فریدون ناصری: رهبر ارکستر سمفونیک تهران سال ۱۳۰۹ در چنین روزی به دنیا آمد. فریدون ناصری از کودکی و در هنرستان عالی موسیقی ویولنسل و سازهای ضربی رایاد گرفت و در دوران دبیرستان در کلاس‌های هارمونی ثمین باغچه‌بان شرکت کرد و از اواصول آهنگسازی رایاد گرفت. پس از آن به بلژیک رفت و در کنسرواتوار سلطنتی بروکسل در کلاس‌های آهنگسازی، تصنیف موسیقی فیلم و رهبری ارکستر شرکت کرد. در همان کشور هم در ارکسترهای ناسیونال بلژ و رادیو و تلویزیون بروکسل همکاری می‌کرد و پس از بازگشت به ایران و دهه ۴۰ و ۵۰ در رادیو و تلویزیون ایران فعال بود. او برای تاسیس ارکستر فارابی با مرتضی حنانه همکاری کرد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۶۹ رهبر ارکستر سمفونیک تهران شد. ناصری موسیقی فیلم‌های زیادی مانند «ستارخان»، «فصل خون»، «فکش‌های میرزا نوروز» و «ناخدا خورشید» را هم ساخته است. او سال ۱۳۸۴ درگذشت.

فضل‌الله توکل: نوازنده پیشکوست سنتور سال ۱۳۳۱ به دنیا آمد. فضل‌الله توکل از ۶ سالگی در کلاس‌های حسین تهرانی نواختن تنبک را یاد گرفت و پس از اینکه پدرش برایش سنتور خرید نواختن این ساز را آموخت و پس از آن در کلاس‌های علی تجویدی ردیف نوازی ایران رایاد گرفت. بعدها به دعوت تجویدی نوازنده سنتور ارکستر شماره ۲ رادیو شد و پس از آن هم به برنامه گل‌ها راه پیدا کرد. او به‌عنوان تک‌نواز آواز زیادی در برنامه‌های مختلف گل‌ها شناخته می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم آلبوم‌هایی مانند «آوازه‌خوان»، «نسیم»، «غم زنانه» و «خاطرات جوانی» با آهنگسازی او منتشر شد. توکل در نواختن سنتور سبکی مخصوص به خودش دارد که کاملاً شناخته شده است و پرویز یاحقی بارها شیوه او را منحصر به فرد خوانده بود و او را بی‌رقیب می‌دانست. البته غیر از سنتور، توکل، ویولن هم می‌نوازد.

متیومک کانهی: بازیگر توانای هالیوود امروز ۵۱ ساله می‌شود. متیومک کانهی رشته تلویزیون و سینما را خواند و با بازی در فیلم کمدی «مات و مبهوت» در سال ۱۹۹۳ مطرح شد. پس از آن هم در «قتل‌های زنجیره‌ای نگراس»، «زمانی برای کشتن»، «آمیستاد»، «تماس» و «یو-۵۷۱» بازی کرد. مک کانهی دوره‌های مختلفی را در طول دوران کاری‌اش گذراند. از اوایل سال ۲۰۰۰ شروع به بازی در فیلم‌های رمانتیکی مانند «طراح مراسم ازدواج» و «شکست در اجرا» کرد اما از سال ۲۰۱۰ چهره دیگری از هنر او را دیدیم و در فیلم‌هایی مانند «برنی»، «جوی قاتل» و «ماد» بازی کرد. حضور او در «باشگاه خریداران دالاس» و بازی در نقش یک مرد مبتلا به ایدز باعث شهرت بیشترش شد و برایش جایزه اسکار و گلدن گلوب گرفت. پس از آن هم در فیلم «گرگ وال استریت» و «بین ستاره‌ای» بازی کرد. فصل اول سریال «کاراگاهان حقیقی» هم با بازی مک کانهی ساخته شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت و برایش جایزه منتخب منتقدین تلویزیون را گرفت و نامزد دریافت جایزه امی شد.

■ **منصور حمیدی** کارگردان، **دین لیل** بازیگر بریتانیایی، **شیلا خداداد** بازیگر، **امیرحسین آرمان** بازیگر و **ساناز ثوف** شاعر هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت‌ها**

بیزن علی محمدی: دوبلور قدیمی سینما و تلویزیون سال گذشته در چنین روزی درگذشت. بیزن علی محمدی متولد سال ۱۳۴۰ بود و اوایل دهه ۶۰ کاش را در واحد دیولژا صداوسیما آغاز کرد و توسط ندم دوله ایران مانند پرویز بهرام آموزش دید. او در سال‌های فعالیتش در سریال‌ها و انیمیشن‌های زیادی صحبت کرد و صدایش را به جای پدر ژیتو در کارتون «پینوکیو» به یاد دارید. سریال‌های «امام علی (ع)»، «روشن‌تراز خاموشی»، «معمای شاه» و «سیرت پول» و فیلم «روز واقعه» از جمله کار‌های علی محمدی بودند. او دوسال پیش و در جشنواره فیلم کودک و نوجوان به‌عنوان دوبلور هم‌زمان همکاری کرد و عضو انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم هم بود.

■ **علی تایش** گوینده رادیو و کم‌دین هم در چنین روزی درگذشت.



موزه هنر ایندیا ناپولیس امریکا در نمایشگاهی منحصربه‌فرد آثار «نوسان ون گوگ» نقاش مشهور هلندی را به‌صورت سه‌بعدی و متحرک به نمایش می‌گذارد. برای این نمایشگاه که The Lume نام دارد، ۱۵ پروژکتور فوق پیشرفته با وضوح بالا تعبیه می‌شود تا بازدیدکنندگان بتوانند در دل نقاشی‌های معروف ون‌گوگ از جمله گل‌های آفتابگردان و شب پرستاره، حرکت کنند. این نمایشگاه که ژوئن سال آینده (خرداد-تیر ۱۴۰۰) برگزار می‌شود در مجموع، ۳۰۰۰ تابلو به‌نمایش گذاشته می‌شود و در پس‌زمینه موسیقی کلاسیک پخش خواهد شد.

عکس نوشت